

# پرورش مهارت نوشتن در کودکان

O ماندانا سلحشور

ایفا کنند. آن‌ها می‌توانند با به کارگیری شیوه‌های گوناگون نوشتن (شعر، داستان، مقاله نویسی، ...) افکار و احساسات و آرزوهای‌شان را بهتر بشناسند و بیان کنند و البته نسبت به خودشان نگرش و برداشت والاتری داشته باشند.

کودکان خردسال از شنیدن داستان لذت می‌برند. آن‌ها می‌خواهند هیجان قصه را تجربه کنند. زمانی که کاربرد یک واژه را در جمله یاد می‌گیرند، با تسلط بیشتری آن را به زبان می‌آورند. قصه‌گویی و قصه‌نویسی، مؤثرترین روش برای آشناسازی کودکان با هنر ادبیات است. هنگامی که کودکی به داستانی گوش می‌دهد، درمی‌یابد که زبان نوشتن، رسمی‌تر از زبان صحبت کردن است. بچه‌هایی که به طور معمول داستان می‌خوانند و یا برای‌شان داستان می‌خوانند، درک‌شان از جمله‌سازی و ایده‌پردازی پرورش می‌یابد. زمانی که از آن‌ها خواسته شود از این مهارت خود استفاده کنند، بهتر و سریع‌تر این کار را خواهند کرد. کودکان دوست دارند یک داستان را بارها و بارها بشنوند و خودشان را جای تک تک شخصیت‌های داستان بگذارند. به عبارت دیگر، با هر بار شنیدن داستان، خود را به قهرمان آن نزدیک‌تر حس می‌کنند و در تلاشند که با همانندسازی از رفتار و کردار آنان، نگرش جدیدی از چالش‌های زندگی در ذهن‌شان بسازند. بلندخوانی کتاب برای کودک، علاقه زودرس او را

از نسلی به نسل دیگر، باهم اشتراک دارند. داستان‌ها به ما کمک می‌کنند تا تجارب جدیدی از زندگی‌های گوناگون آدمی بیاموزیم. اسطوره‌ها، قهرمانان و اندرزهای اخلاقی بازگو کننده ارزش‌های معنوی جامعه هستند و انسان‌ها را به خطاها و اشتباهی که در زندگی مرتکب می‌شوند، واقف می‌سازند. یکی از بهترین شیوه‌هایی که می‌توان کودکان را به «فکر کردن» و تعمق درباره مسائل گوناگون تشویق کرد، همانا نوشتن و خواندن داستان‌هایی برای آن‌هاست که شخصیت‌های آن، درصدد پیروزی و فائق آمدن بر سختی‌ها و ناملایمات زندگی هستند. نوشتن و فکر کردن، دو فرآیندی است که موجب غنای اندیشه‌ها و افکار بشری می‌شود. فردی که سعی می‌کند بنویسد، بهتر یاد می‌گیرد و فردی که با تعمق و تأمل بیشتری می‌نویسد، طبیعی است که بهتر می‌نویسد. از آن گذشته، نوشتن با خواندن و مطالعه کردن همراه است؛ یعنی کسی که می‌نویسد، مجبور است زیاد بخواند.

هنر «نوشتن»، نه تنها وسیله‌ای است که نسل‌های گذشته توانسته‌اند با کمک آن، شیوه زندگی و فرهنگ عصر خودشان را به آیندگان منتقل سازند، بلکه یکی از ابزارهای مهم یادگیری محسوب می‌شود. اگر بچه‌ها سعی کنند با دیدی نو به پدیده‌ها و ماجراهای پیرامون‌شان بنگرند، نوشتن برای آن‌ها می‌تواند نقش مهم و ارزنده‌ای

کودکان بازی با کلمات را دوست دارند. آن‌ها با کلمات لطیفه می‌سازند، جملات هم قافیه درست می‌کنند، شعری می‌نویسند، اسامی جدید اختراع می‌کنند و داستان می‌گویند. از بازی با کلمات تا نویسندگی، تنها یک گام فاصله است. عادات و نحوه نگرش اعضای خانواده درباره نوشتن و فن نویسندگی، می‌تواند تاثیر مثبت و سازنده‌ای بر کودک بگذارد. اگر پدر و مادر، «نوشتن» را به یک سرگرمی لذت بخش در زندگی تبدیل کنند، می‌توانند شاهد این موضوع باشند که فرزندشان نیز در آینده، از هر فرصتی برای به تحریر در آوردن افکار، عقاید، ایده‌ها و خاطراتش استفاده کند. از طریق قصه‌گویی و داستان‌سرایی برای بچه‌ها، می‌توان پایه‌های اولیه نگارش را در آن‌ها استوار ساخت و این فرصت را برای‌شان فراهم کرد. هنر «نوشتن» باید در قلب هر کودکی باشد تا بتواند با الهام از آن، واقعیات زندگی‌اش را هر چه زیباتر با شکوه‌تر بیان دارد.

آن چه نوشتن را سهل و آسان می‌کند، خواندن و گوش دادن به قصه‌ها و ماجرای گوناگون است. زندگی بشر مملو از افسانه‌ها و داستان‌هایی است که نسل‌های مختلف را به هم پیوند می‌دهد. ماجراهای تاریخی، افسانه‌های پریان و مجموعه قصه‌های نویسندگان سرشناس دنیا، همگی در کار انتقال تمدن، فرهنگ و ادبیات



به ادبیات و یادگیری خواندن و نوشتن برمی‌انگیزد. همان طور که ورزشکاران جوان، از بازی در زمین‌های بزرگ لذت می‌برند و دوست دارند خود نیز ورزشکار شوند، بچه‌ها نیز با شنیدن و خواندن داستان‌ها و اشعار مختلف، به «نگارش» علاقه‌مند می‌شوند و تمایل پیدا می‌کنند که خود بنویسند. در این جا به بررسی سه روش آماده‌سازی کودک برای نوشتن می‌پردازیم:

۱. حتی اگر فرزندان خیلی کوچک است، برای او با صدای رسا و شمرده داستان بخوانید. زمانی که این کار را می‌کنید، نه تنها او یک ماجرای جالب و آموزنده می‌شنود، بلکه از احساس صمیمیت و نزدیکی ای که بین شما، کتاب و نوشتن به وجود می‌آید، لذت می‌برد. در حقیقت، زحمتی که شما برای رسا خواندن کتاب متقبل می‌شوید، نشان می‌دهد که برای نویسنده و نوشته‌اش ارزش و احترام قائلید. سعی کنید حتی زمانی که بچه‌ها بزرگ شده‌اند، در فرصت‌هایی که پیش می‌آید، باز هم با صدای بلند و رسا، برای آن‌ها متن‌هایی را که زیبا و جذاب است، بخوانید. برای این کار، می‌توانید کتاب‌هایی را انتخاب کنید که مورد علاقهٔ دونفرتان باشد. همان طور که بچه‌ها به صدای شما گوش می‌دهند، در می‌یابند که «نوشته‌ها» نه تنها می‌توانند بسیار متفاوت باشند، بلکه می‌توانند تأثیرات گوناگونی هم بر افراد گذارند.

۲. بچه‌ها را همراه خود به کتابخانه‌ها ببرید و با تشویق شان به کتاب خواندن، آنان را به مطالعه علاقه‌مند سازید. به عنوان «هدیه» به آن‌ها کتاب بدهید. اوایل از این که چندان تمایلی به کتاب نشان نمی‌دهند، نگران نباشید و فقط صبورانه هدف خود را دنبال کنید. از آن جایی که کودک از ابتدا به کتاب‌های مصور و کارتون‌ی بیشتر از سایر کتاب‌ها علاقه نشان می‌دهند، می‌توانید با این گروه کتاب‌ها شروع کنید و رفته رفته با افزایش علاقه آن‌ها و بالا رفتن سن و فهم شان، انواع دیگری از کتاب را در اختیارشان قرار دهید.

۳. به پرسش‌های بچه‌ها با آرامش و بردباری پاسخ دهید و داستان‌های آن‌ها را خوب گوش کنید. اگر آن‌ها احساس کنند که شما نسبت به آن چه می‌گویند، علاقه و اشتیاقی ندارید، اعتماد خود را نسبت به «تعریف کردن»، «خواندن» و «شنیدن» از دست می‌دهند. در حقیقت، ما با گوش دادن فعال به گفته‌های بچه‌ها، به آن‌ها یاد می‌دهیم که چگونه افکار خود را سازمان دهی و بیان کنند. نوشتن قبل از آن که کودک بتواند بنویسد.

زمانی که والدین و یا اعضای خانواده، همراه با کودک، در صدد «نوشتن» بر می‌آیند، در حقیقت، به کودک یاد می‌دهند که چگونه مثل یک نویسنده، افکار و احساساتش را روی کاغذ بیاورد. برای علاقه‌مند کردن بچه‌هایی که تاکنون سعی

نکرده‌اند چیزی از خودشان بنویسند، روش‌های گوناگونی وجود دارد، از جمله:

**الف) داستان سازی:** از کودک (ویا حتی نوجوان) بخواهید که یک داستان برای تان تعریف کند. هم‌چنان که تعریف می‌کند، شما هم گفته‌های او را بنویسید. زمانی که منتظر است شما یک خط را بنویسید، سعی می‌کند کنجکاوانه دربارهٔ ادامهٔ ماجرا فکر کند و همین کار، او را به تفکر وامی‌دارد. اگر رشته کلام از دست کودک در رفت، می‌توانید با دوباره‌خوانی داستان، او را به ادامهٔ داستان‌پردازی اش تشویق کنید و از او بپرسید: «خب، بعد چه می‌شود؟» توجه داشته باشید که خودتان در صدد تکمیل داستان بر نیایید و یا نظریات و ایده‌های تان را به کودک تحمیل نکنید.

**ب) گروه داستان‌گو:** شما می‌توانید از فرزندان بخواهید تا چند نفر از دوستان خود را به خانه دعوت کند و در حالی که دایره وار دور هم نشستند، به اتفاق یک داستان نسبتاً طولانی بسازند. در این بین، اگر کودکی احساس ناراحتی کرد و خجالت کشید، او را راحت بگذارید و تا زمانی که خودش داوطلبانه به جمع داستان‌گویان ملحق نشده است، او را مجبور نکنید. هر کودکی تا زمانی که داستان می‌گوید، فرصت ادامه دادن دارد و وقتی احساس کردید داستانش پایان یافته است، نوبت را به دیگری بدهید. چنان چه برای تان مقدور است، از داستان آن‌ها نت برداری کنید یا

صدای آن‌ها را ضبط کنید تا بتوانید در پایان جلسه، یک بار همگی به کل قصه گوش کنید. با انجام این کار، بچه‌ها درمی‌یابند که چقدر می‌توانند از این جلسات لذت ببرند و سرگرم شوند.

**پ) زمان بازی:** بسیاری از دختران خردسال، با خیال‌پردازی و داستان‌سرایی مکرر خود، وانمود می‌کنند شاهزاده‌ای هستند که در قصر خود میهمانی‌های باشکوهی به راه می‌اندازد و عروسک‌های شان را به عنوان دیگر بازی‌کنان داستان، به جشن‌های خیالی‌شان دعوت می‌کنند و یا پسران خردسال، تصور می‌کنند قهرمان، شوالیه و یا جنگجویی هستند که مرتباً با بدی‌ها می‌جنگند. آن‌ها با استفاده از وسایل و امکانات بسیار ساده، در صدد ساختن صحنه‌ای خیالی برای قصه‌های رویایی ذهن‌شان هستند. به عبارت دیگر، افکار و تصورات آن‌ها چنان برای شان واقعی است که می‌توانند از چوب، شمشیر از میز و صندلی، قصر و از تکه تکه پارچه‌های رنگی، مجلل‌ترین و فاخرترین لباس‌های دنیا را بیافرینند. آیا تا به حال فرزندان به همراه دوستانش، نمایش‌نامه‌ای برای شما اجرا کرده‌اند؟ شما می‌توانید بابه کارگیری این قریحه و ذوق بچه‌ها، آن‌ها را به داستان‌گویی تشویق کنید و با اندک کمک و همراهی خود مهیج‌ترین داستان‌های خیالی را شاهد باشید.

**ت) چاپ و تکثیر:** بعضی از کودکان و نوجوانان نیز مثل نویسندگان، نوشتن را به عنوان سرگرمی مورد علاقه‌شان انتخاب می‌کنند و دوست دارند سایرین نیز از کارهای آن‌ها تقدیر کنند. روش‌های گوناگونی برای نوشتن و تکثیر دست‌نوشته‌های بچه‌ها وجود دارد که موجب تشویق آن‌ها در کار نوشتن می‌شود. برای مثال، می‌توانید نوشته‌های آن‌ها را روی یک تابلوی اعلانات مخصوص و یا در یخچال بچسبانید؛ می‌توانید آن‌ها را تایپ کنید و با صدای رسا برای دوستان تان بخوانید؛ می‌توانید با کپی گرفتن از داستان کودک، چند نسخه از آن تهیه کنید و به دوستان، آشنایان و آموزگاران‌شان هدیه دهید. حتی می‌توانید از فرزندان‌تان بخواهید که با رسم چند نقاشی مربوط به ماجرای داستان‌شان، از آن یک کتاب تصویری زیبا درست کند و تحت عنوان «داستان‌های جیبی کوچک»، چند نسخه از آن چاپ کنید. هدف از انجام این کارها آن است که بچه‌ها رابه نوشتن، نگارش و نویسندگی علاقه‌مند سازیم و این فرصت را در اختیارشان قرار دهیم که از کنجکاو و تحقیق لذت ببرند.

**کودکان را تشویق کنید تا برای خودشان بنویسند**

خواندن و نوشتن، دو بخش جدایی‌ناپذیر و مکمل یکدیگرند. زمانی که کودک یاد می‌گیرد بخواند و بنویسد، در حقیقت، دری به سوی جهان

بزرگ و ناشناخته به سویش باز می‌شود. ما می‌توانیم زنجیره‌ی بی‌پایان آموزش را با «خواندن» و «نوشتن» آغاز کنیم. افسون «نوشته»، از ایده و فکری که نویسنده به رشته‌ی تحریر درمی‌آورد، نشأت می‌گیرد. زیبایی کلمات نوشته شده، در آن است که می‌توانید مدام به عقب برگردید، آن‌ها را تغییر دهید، افکارتان را بازنویسی کنید. واژگان جدیدی به آن بیفزایید و آن چه را مناسب موضوع نیست، خط بزنید. تشویق به نوشتن، هم چون داستان‌گویی و داستان‌سرایی، از سن کم آغاز می‌شود. زمانی که کودک خردسال مداد به دست می‌گیرد و مشتاقانه شروع به خط‌خطی کردن کاغذ می‌کند، لذت نوشتن را در خود بیدار می‌سازد. او تفاوت بین نوشته و نقاشی را درک می‌کند. نوشتن فرآیندی هدفمند و با یکسری علائم و نشانه همراه است. کنجکاو کودک دربارۀ کلماتی که روی تابلوها، روزنامه‌ها و اعلانات مختلف می‌بیند، حاکی از این مطلب است که می‌خواهند زودتر با جهان پیرامون خود ارتباط برقرار کنند. کودکان همان گونه که صحبت کردن را از سایرین می‌آموزند، نوشتن را هم می‌توانند بیاموزند.

اگر ما به عنوان والدین و مربیان اولیه‌ی آنان «نوشتن» را بخشی از ضروریات روزانه‌ی خود بدانیم و همواره در صدد استفاده از کاغذ و قلم و یافتن مطلبی برای تحقیق و نگارش باشیم، بچه‌ها نیز یاد می‌گیرند که به سادگی از روی مطالبی که هر روزه می‌خوانند، رد نشوند و با یک یادداشت برداری ساده، ما حاصل دانسته‌های شان را جمع‌آوری کنند تا در مواقع لزوم، بتوانند از آن بهره‌گیرند. در غیر این صورت، خیلی زود تمام تجربیات ارزشمند تحصیلی، آموزشی شان را به دست فراموشی خواهند سپرد و پس از مدتی، حتی نمی‌توانند منظور خود را در قالب کلمات به رشته‌ی تحریر درآورند.

بچه‌ها برای این که بنویسند، به انگیزه احتیاج دارند؛ انگیزه نیرو و علاقه‌ای درونی است که آن‌ها را به حرکت وا می‌دارد. زمانی که بچه‌ها قلم به دست می‌گیرند و سعی می‌کنند با تفکر و تعمق دربارۀ موضوعی بنویسند، در حقیقت، کفایت و شایستگی خود را محک می‌زنند و می‌کوشند با تکرار و تمرین، استعداد نویسندگی خود را باور کنند. بخش بیشتری از نوشته‌های کودکان و نوجوانان، مربوط به انجام تکالیف و کارهای کلاسی شان است. یکی از راه‌هایی که می‌تواند موجب لذت بچه‌ها از «نوشتن» شود، این است که آن‌ها به موضوعاتی که می‌خوانند، علاقه‌مند باشند، برای همین می‌توان موضوعاتی برای آنها انتخاب کرد که تا حدی ذهنی - تخیلی باشند و بچه‌ها بتوانند مستقلاً روی آن کار کنند اگر

کودکی از نوشتن در مدرسه لذت می‌برد، می‌توان فضای در خانه برای او فراهم کرد که او بتواند تصورات و افکار خود را بسط و گسترش دهد. اگر حوصله‌ی فرزندان از نوشتن کارهای کلاسی سر می‌رود، می‌توانید تکالیف نوشتنی او را با استفاده از روش‌های جالب و جذاب، برای او آسان کنید؛ مثل صحبت کردن درباره‌ی موضوع مورد بحث، کندو کاو در دایره‌ی المعارف‌ها، جست و جو در مجله‌های علمی، مطالعه‌ی مطالب مربوط به موضوع و...

### نوشتن در خانه

بسیاری از کودکان، نوشتن را تنها به عنوان وسیله‌ای برای سرگرمی در خانه انتخاب می‌کنند. برای بعضی دیگر راهی است که به والدین‌شان نشان دهند که بزرگ شده‌اند. گروهی دیگر از بچه‌ها به حمایت احتیاج دارند. به طور کلی، اولین نکته‌ای که پدر و مادر، به منظور تشویق فرزندشان به امر نوشتن نیاز دارند، رعایت مواد اولیه‌ی نگارش و نویسندگی است که عبارت است از:

○ تهیه وسایل کار؛ کاغذ، مداد، قلم...

○ مکانی آرام و راحت برای نوشتن

○ زمانی کافی، نه تنها برای نوشتن، بلکه برای تفکر، تعمق، رویاپردازی و پرورش خلاقیت‌های ذهنی.

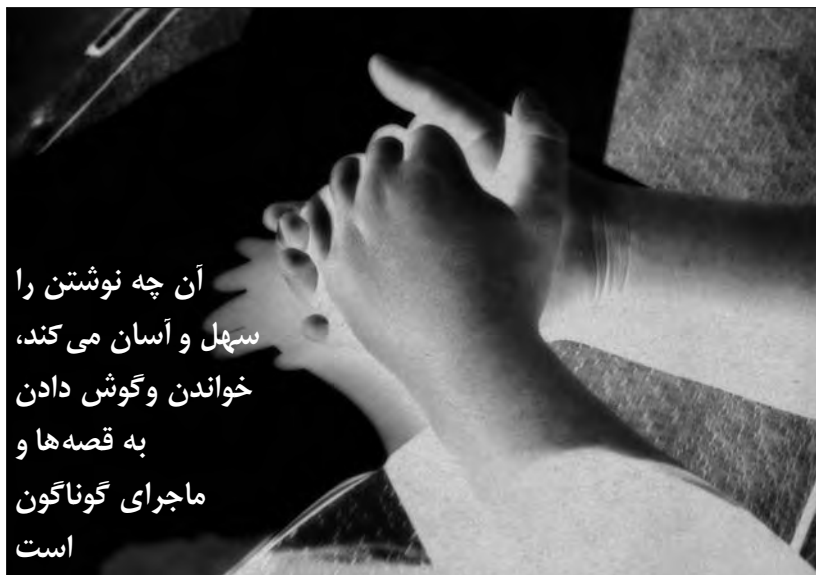
شما می‌توانید با در اختیار گذاشتن میز تحریر، ماشین تایپ، کامپیوتر و یا حتی خود نویس مورد علاقه‌تان، انگیزه «نوشتن» را در فرزندان ایجاد و تقویت کنید. هیچ گاه او را تحت فشار قرار ندهید. نوشتن برای کودک باید یک فعالیت رضایت‌بخش و مفرح باشد. بسیاری از بچه‌ها، از ترس این که نتوانند بنویسند و شکست بخورند، هرگز دست به قلم نمی‌زنند. بسیاری دیگر، از ترس این که دیکته کلمات را اشتباه بنویسند، شروع به نوشتن نمی‌کنند.

در حالی که می‌توانید به آن‌ها توضیح دهید که وقتی برای خودشان می‌نویسند، نیازی به دیکته صحیح و درست نوشتن کلمات ندارند. فقط زمانی که نویسنده قصد چاپ و انتشار اثرش را دارد، به ویرایش و ویراستاری احتیاج خواهد داشت. نوشتن تکالیف و کارهای مدرسه‌ای، وظیفه‌ی هر دانش‌آموزی است، اما نوشتن شعر و یا داستان در خانه، باید چنان مفرح و شاد باشد که کودک را به سوی خودش جلب کند. اگر بچه‌ها بتوانند به لذت این کار پی ببرند، مسلم بدانید بیشتر می‌نویسند.

### لذت نوشتن

اگر فرزندان عادت دارد که به طور معمول بنویسد، بهتر است زیاد در کار او مداخله و کنجکاو نکنید. بچه‌ها اگر احساس کنند آن چه نوشته‌اند، واقعاً مال خودشان است، با لذت بیشتری





## آن چه نوشتن را سهل و آسان می کند، خواندن و گوش دادن به قصه ها و ماجرای گوناگون است

مجبور می شود قوه تخیل و تصورش را بیشتر بکاود.

### ○ گفت و گو

پیشنهاد می شود از فرزندتان بخواهید که متن گفت و گوی جالبی برای صحبت بین اشیا (مثل کاغذ، مداد، چنگال، سیب، ...) بنویسد. نوشتن متن گفت و گو، به بچه ها کمک می کند تا به موضوعات و ایده هایی که به هم مربوط هستند، بیشتر فکر کنند.

### ○ واکنش والدین به نوشته های کودکان و نوجوانان

احتیاجی نیست بگویم که هر پدر و مادری بهترین ها را برای فرزندانشان می خواهند و سعی می کنند با برنامه ریزی منظم، شرایطی برای بچه ها فراهم آورند تا بتوانند آموزش های مقدماتی لازم را یاد بگیرند. در این خصوص، تشویق و ایجاد انگیزه نوشتن در کودکان به آن معنا نیست که همگی آن ها باید نویسندگانی ماهر و سرشناس بار آیند، بلکه تنها هدف این است که بچه ها بتوانند از این طریق، خواسته ها و افکارشان را بیان کنند. برای درک این مطلب، می توانید برداشت های قالبی و سنتی از «نویسندگی» را کنار گذارید و تصور نکنید که «نوشتن» منحصر به قشر خاصی است که دارای استعداد ویژه ای هستند. در حقیقت، نوشتن و نویسندگی، زمانی جایگاه واقعی خود را در زندگی شخص پیدا می کند که بتواند از آن استفاده عینی ببرد. یک نوآموز با به دست گرفتن مداد، راحت می تواند هیجانانگیز و اندیشه های صاف و شفاف خود را بیان دارد و از این تجربه خود، احساس شادی و رضایت کند.

نحوه عکس العمل و پاسخ شما نسبت به نوشته های فرزندتان، خیلی مهم است. اگر شما از آن چه بچه هادر مدرسه و یا خانه نوشته اند، احساس غرور و مباهات کنید، آن ها نیز از کار خود

کلمات را انتخاب خواهند کرد. اما اگر از شما تقاضای کمک کردند و یا اگر فکر می کنید که دچار ابهام شده اند، می توانید با استفاده از نکات زیر، به آن ها کمک کنید:

### ○ طرح معماها و چیستان ها

از فرزندتان بخواهید که موضوعی را تنها با توصیف کردن، و نه با فاش کردن مستقیم آن، برای تان شرح دهد. برای مثال، چه حیوانی است که هیچ لباسی بر تن ندارد، ولی یک جیب و چهار پا دارد، ولی راه نمی رود؟ (جواب: کانگورو)

### ○ غیر ممکن ها

به فرزندتان پیشنهاد کنید که درباره غیرممکن ها داستان بنویسد؛ هر چه داستان غیرواقعی تر باشد، بهتر است. هدف چنین تمرین هایی، آن است که بچه ها از ذهن شان بیشتر استفاده کنند و تصورات و خیالات شان را با استفاده از واژگان و ترکیبات آن به رشته تحریر در آورند.

### ○ اولین جملات

گاهی لازم است که در نگارش اولین جملات، به فرزندتان کمک کنید. برای مثال «یک روز صبح وقتی از خواب بیدار شدم، دیدم گلی بالای سرم روییده است...» و یا «وقتی به قله کوه رسیدیم، دیدم طنابی از آسمان آویزان است...» این کار باعث می شود که خلاقیت بچه ها به کار افتد و داستان جالبی در ذهن شان نقش بندد.

### ○ داستان های مصور

به فرزندتان پیشنهاد کنید که عکس ها و تصاویر جالب روزنامه ها و مجلات را ببرد و نگه دارد. آن گاه سعی کند بدون این که متن مقاله روزنامه (یا مجله) را بخواند، داستانی خیالی برای آن عکس بنویسد. این کار را می توانید با استفاده از عکس های خانوادگی هم انجام دهید. در نظر داشته باشید که هرچه عکس برای کودک (و یا نوجوان) نا آشنا و مهیج تر باشد، بهتر است؛ زیرا

راضی و مفتخر می شوند و بیشتر می نویسند، اما اگر احساس بی تفاوتی دارید و یا مدام با دید انتقادی، کارها و نوشته های شان را محک می زنید، بهتر است بدانید که نوشتن را برای آن ها سخت تر و مشکل تر می کنید. به همین منظور، بهتر است:

۱. ابتدا نکاتی از نوشته های فرزندتان را که بیشتر دوست دارید، مورد تمجید قرار دهید. قدردانی از توانایی های کودکان، موثرترین روش برای کمک به آن هاست تا بتوانند به نقاط قوت و ضعف خود پی ببرند. دقیق و منصف باشید. اگر مدام از نوشته های آنان تعریف یک جانبه کنید، به زودی جملات شما تاثیرش را از دست خواهد داد.

۲. خیلی ظریف و حساب شده، از کارهای فرزندتان انتقاد کنید؛ به خصوص اگر او در آغاز راه است. همیشه بکوشید بعد از چند تشویق و تعریف، نظارت سازنده و احتمالاً انتقادی خود را به او گوشزد کنید. به خاطر داشته باشید که هدف شما تشویق فرزندتان است، نه آن که در کودکی نویسنده ای مشهور شود می خواهید او را به نوشتن علاقه مند سازید. هر چه بچه ها بیشتر بنویسند، بیشتر پیشرفت خواهند کرد.

۳. حتی اگر اثر کودک، قدری خارج از عرف و آداب و رسوم قرار دادی است، باز هم تحسین و تعریف شما از کار او، می تواند تأثیر ویژه و عمیقی بر افکار و ایده های او بگذارد. توجه داشته باشید که اگر کودک، برای ارائه اثرش احساس «آزادی» و «متفاوت بودن» کند، علاقه و اشتیاق بیشتری برای نوشتن در خود می یابد و راحت تر افکار و اندیشه های درونی اش را ابراز می کند.

۴. اگر فرزندتان ترجیح می دهد فقط درباره قهرمان ها، شاهزاده ها و یا حتی عروسک هایش داستان بنویسد، هیچ نگران نباشید، زیرا کودکی که از نوشتن لذت می برد، خواه ناخواه این قریحه و استعداد درونی خود را در دیگر زمینه ها نیز تعمیم خواهد داد.

استعداد «نوشتن» را در کودک، می توان خیلی زودتر از آن که به مدرسه برود، در او پرورش داد. کودک کلاس اولی که به سادگی خواندن و نوشتن را می آموزد، کودکی است که خوب فکر و صحبت می کند؛ کودکی است که برای او کتاب خوانده شده است و می تواند یک موضوع را دنبال کند، درباره آن حرف بزند و نتیجه ای از کتاب بگیرد. در حقیقت، این گروه از کودکان، مفهوم و اساس خواندن و نوشتن را در خانه درک کرده اند و در مدرسه، با تعالیم کلاسیک، آن را غنا می بخشند. شاید بزرگترین شادی و لذت پدر و مادر، زمانی است که فرزندشان می تواند خوب بخواند، خوب بنویسد، خوب یاد بگیرد و خوب فکر کند.

ادبیات کودک و نوجوان، در طول بیست و پنج سال گذشته، رشد قابل تأملی داشته است. بالطبع، مطبوعات کودک و نوجوان نیز از این پیشرفت بی‌بهره نمانده‌اند. با نگاهی گذرا به این مطبوعات به یکی دو نکته چشم‌گیر می‌توانیم اشاره کنیم. در ابتدای کار و فعالیت جدی در حوزه ادبیات کودک و نوجوان پس از انقلاب، حضور نیروهای جوان کاملاً چشم‌گیر است؛ نیروهایی که پس از انقلاب، با علاقه و البته تعهد خاصی، حضور در این عرصه را نه یک شغل که نوعی وظیفه می‌پندارند. بنابراین، نگاه آنان با رویکرد انقلاب، کاملاً هم سو و هم جهت است. دوره انقلاب دوره فراگیری و افزایش دانش ملت است. نویسندگان جوان این عرصه نیز

احساساتی‌تر از آن هستند که بتوانند نسبت به مسائل جاری جامعه بی تفاوت باشند. از سوی دیگر، بسیاری از نویسندگان جوان، بزرگ شده شهرها و روستاهای دور از پایتخت هستند. همه این موارد، باعث می‌شود که ادبیات کودک و نوجوان سال‌های ابتدایی بعد از پیروزی انقلاب، حال و هوایی مردمی و درگیر با مسائل حاشیه‌نشینان داشته باشد. این نوشته‌های متأثر از جامعه، متأسفانه از زبان مناسب مخاطب کودک و نوجوان، بهره‌درستی نمی‌گیرند.

نباید فراموش کرد که در آن سال‌ها، تعداد نشریات کودک و نوجوان، به قدری نبود که هر نیروی جوانی در این عرصه بتواند چندین و چند شغل اختیار کند. پس نشریات آن دوره، با نوشته‌هایی همراه بود که بیشتر حاصل تفکر و تعمق خالق اثر محسوب می‌شد. در هر اثر این دوره، می‌توان رگه‌هایی از اندیشه تعالی بخش را مشاهده کرد.

اجازه بدهید درباره نوع اندیشه و مسائل جانبی آن، بحثی نکنم. تقریباً همه دست‌اندرکاران عرصه ادبیات کودک و

نوجوان معترفند که کمیت مطبوعات کودک و نوجوان، رشد قابل ملاحظه‌ای داشته است. در این شرایط، چند مشغله بودن نویسندگان این عرصه، کاملاً طبیعی به نظر می‌رسد. نویسندگان جوان دیروز و امروز این عرصه هم به توانایی‌های چشم‌گیر در فن خود رسیده‌اند. زبان نوشته‌های مطبوعات امروز، با آن چه در سال‌های ابتدای انقلاب استفاده می‌شد، قابل قیاس نیست. باید یادآوری کنم که تأکیدم بر موضوع زبان، از آن بابت است که زبان در کار آموزش، جایگاه ویژه‌ای دارد و شاید به تعبیری، هر موفقیتی در عرصه آموزش کودک و نوجوان، با بحث زبان پیوندی عمیق داشته باشد. رشد توانایی‌های زبانی، طبیعتاً رشد

فکری را هم به همراه دارد. نویسندگان این عرصه در کشور ما، به درجه‌ای از رشد رسیده‌اند که زبان و قابلیت‌های آن را کاملاً می‌شناسند و به خدمت می‌گیرند. اما در این میان، جای یک اتفاق خالی است.

نویسندگان روستایی دیروز، همگی شهرنشین شده‌اند. کم‌تر نویسنده‌ای است که این روزها از مرکز دور باشد و یا در مناطق جنوبی و حاشیه‌ای تهران اقامت داشته باشد. مهم‌ترین مسایل روز کشور ما دیگر مباحث اندیشه‌ای نیست و بسیاری از فعالان عرصه فرهنگ درگیر مسائل سیاسی هستند.

وضعیت معیشتی نویسندگان، تا حدی ارتقا

پیدا کرده و امروز کم‌تر نویسنده‌ای ناگزیر است از وسایل نقلیه عمومی استفاده کند. این مسائل، باعث شده تا نویسندگان امروز عرصه مطبوعات، اندیشه را به کلی از کارشان حذف کنند. سرگرمی و البته پرکردن صفحات پرشمار نشریات، بزرگ‌ترین هدف دست‌اندرکاران مطبوعات شده است. پس جای تعجب نیست اگر ببینیم حتی سرگرمی‌های نشریات کودک و نوجوان، ترجمه‌ای از کارهای غیر ایرانی باشد. اندیشه در هر شکل و شمابلی و با هر قد و اندازه‌ای، از نشریات کودک و نوجوان ما رخت بر بسته است. گویا نویسندگان ما، کودک و نوجوان کشورشان را در حدی نمی‌بینند تا برای آن‌ها از فکر و فلسفه چیزی بگویند. نویسندگان ما، مخاطبان خود را بالغ نمی‌بینند تا برای‌شان حرف‌های جدی بزنند. زبان نویسندگان ما رشد پیدا کرده، اما فکر می‌کنند زبان مخاطب‌شان هنوز باز نشده است. نویسندگان ما کوچک شده‌اند تا در کنار مخاطب قرار بگیرند، اما فراموش کرده‌اند که این مخاطب نیز باید به قدر آن‌ها رشد پیدا کند.



نویسندگان روستایی دیروز، همگی شهرنشین شده‌اند.  
کم‌تر نویسنده‌ای است که این روزها از مرکز دور باشد  
و یا در مناطق جنوبی و حاشیه‌ای تهران  
اقامت داشته باشد